روزنامه شرق

روابط مسکو و واشنگتن پس از انتخابات هشتم نوامبر

شکست سیاست‌های روسی آمریکا

نفیسه کریمی: هر اقدامی و حرکتی را که در نظر بگیریم، سیاست‌های روسی واشنگتن شکست خورده است. درحالی‌که به‌ظاهر کاخ کرملین از انزوای سیاسی و اقتصادی به‌دنبال اجرای تحریم‌های بین‌المللی به رهبری ایالات متحده رنج می‌برد، اما مسکو در به‌چالش‌کشیدن طیف گسترده‌ای از منافع آمریکا به‌ویژه در اوکراین، سوریه و جنگ سایبری موفق عمل کرده است. بنابراین سیاست‌های آمریکا بعد از ۲۰ ژانویه سال ۲۰۱۷؛ یعنی پس از رئیس‌جمهورشدن «هیلاری کلینتون» یا «دونالد ترامپ» تغییر چشمگیری خواهد کرد. هرچند که تاکنون هیچ‌یک از دو کاندیدای ریاست‌جمهوری آمریکا سیاستی بهتر از آنچه اکنون و در گذشته دنبال شده است را ارائه نکرده‌اند و خط‌مشی اصولی برای رویارویی با مسکو در برنامه‌های خود ندارند، اما به نظر می‌رسد دو نامزد پیشتاز انتخابات آمریکا، کلینتون و ترامپ، در صورت انتخاب‌شدن، رویکردهای متفاوتی نسبت به روسیه در پیش بگیرند. درحال‌حاضر کرملین با نگاهی عمل‌گرا، هر دو نامزد را بررسی می‌کند. هریک از این دو، نگاه متفاوتی به آینده روابط با روسیه دارد، در نتیجه تعیین چگونگی توسعه روابط در طول چند سال آینده را برای کرملین دشوار می‌کند. از نظر هیلاری کلینتون، «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، یک تبهکار است؛ اما دونالد ترامپ منتظر است تا با این متحد قدیمی پس از ورود به کاخ سفید دوران تازه‌ای را آغاز کند.

در تاریخ سیاسی ایالات متحده آمریکا، چه در دولت‌های جمهوری‌خواه و چه دموکرات در طول سه دهه گذشته دو سیاست در برابر مسکو ترسیم شده است؛ یا شکست کامل روسیه یا دوستی با «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری این کشور و برقراری دموکراسی، اما روسیه نه‌تنها کشوری با معیارهای دموکراسی نیست بلکه همواره در صحنه بین‌الملل به عنوان یک ابرقدرت ظاهر شده است. بنابراین رئیس‌جمهوری آتی آمریکا باید بپذیرد که مسکو نه به‌راحتی شکست می‌خورد و نه در جهان چندقطبی نوظهور جای می‌گیرد. این کشور را تنها می‌توان با سیاست همکاری و رقابت کنترل کرد.

رئیس‌جمهوری بعدی آمریکا باید مسکو را متقاعد به همکاری کند تا بتواند مانع گسترش استفاده از تسلیحات هسته‌ای شود و در بحران‌های بزرگ مانند سوریه خود را با سیاست‌های بین‌المللی تطبیق دهد. پس در سیاست جدید واشنگتن در قبال مسکو، باید تمامی موارد مورد توجه قرار بگیرد و به‌جای تلاش برای شکست بین‌المللی، باید روش آمریکا معامله با روسیه باشد؛ نه مقابله در بحران‌های بین‌المللی.

هرچند ولادیمیر پوتین در توصیف دونالد ترامپ، کاندیدای حزب جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، از واژه‌هایی مثبت چون «شخصی جالب و بااستعداد» استفاده کرده است، اما از کاندیدای دموکرات‌ها به عنوان فردی اسم می‌برد که علنا برنامه دموکراتیزه‌کردن روسیه را دنبال می‌کند.

«فئودور لوکیانوف»، رئیس «شورای سیاست‌گذاری خارجی و دفاعی»، در مسکو می‌گوید: «هیلاری کلینتون تجسم مکتب فکری مداخله‌جویی لیبرال است که روسیه آن را خطری برای حاکمیت ملی خود می‌بیند».

کرملین همواره منتقد انقلاب‌های دموکراسی‌خواهانه، چه در خاورمیانه و چه در اوکراین در همسایگی‌اش بوده است. مقامات روس اغلب واشنگتن را به پیگیری سیاست «تغییر رژیم» متهم می‌کنند. فئودور لوکیانوف می‌گوید: «کلینتون هرگز علاقه‌ای به تعامل با پوتین و «سرگئی لاوروف»، وزیر خارجه روسیه، نداشته و آنها هم همین احساس متقابل را داشته‌اند»، اما دونالد ترامپ از پوتین به عنوان «رهبری مقتدر» یاد کرده است؛ نکته‌ای که انتقاد بسیاری در غرب و حتی جمهوری‌خواهان در واشنگتن را به‌همراه داشته است.

تلاش کلینتون در زمان اداره وزارت خارجه آمریکا برای یک «آغاز دوباره» در روابط آمریکا و روسیه به‌سرعت به شکست انجامید. روابط دو کشور زمانی به پایین‌ترین سطح تقلیل پیدا کرد که کلینتون علنا انتخابات پارلمانی روسیه در سال ۲۰۱۱ را محکوم کرد. هیلاری کلینتون در کتاب خاطرات شخصی‌اش در سال ۲۰۱۴ نوشت: «پوتین او را برای تحریک مخالفت‌هایی که روسیه معتقد است منجر به تظاهرات گسترده شده، به‌شدت مورد انتقاد قرار داد».

«مایکل مک‌فال»، سفیر پیشین آمریکا در روسیه که چند ماه پیش از قدرت‌گرفتن دوباره پوتین در مقام رئیس‌جمهوری در ماه می ۲۰۱۲ وارد مسکو شد، می‌گوید: «به خاطر دارم درحالی‌که آماده ورود به روسیه به عنوان سفیر آمریکا می‌شدم، به این فکر می‌کردم که این وضعیت زندگی مرا بسیار سخت خواهد کرد». در دوره‌ای که کلینتون وزیر خارجه آمریکا بود، از وزارت خارجه آمریکا به زبان روسی با تعبیری توهین‌آمیز نام برده می‌شد. ناظران هم به این نکته اشاره می‌کنند که در فضای سیاسی مردانه روسیه یک رئیس‌جمهوری زن می‌تواند به عنوان یک تهدید دیده شود. این در حالی است که پوتین به‌خوبی آلمانی صحبت می‌کند و تعاملی دیرین با دیگر رهبران زن جهان ازجمله «آنگلا مرکل»، صدراعظم آلمان، دارد، اما اظهارنظرهای گستاخانه درباره کلینتون در زندگی عمومی روس‌ها امری معمول است. هیلاری کلینتون همچنان دست‌مایه شوخی‌های رسانه‌ای در روسیه است و تصاویر سرفه‌کردن او در تلویزیون‌های آن کشور بارها نشان داده شده است.

اما اغلب رسانه‌ها چهره پوتین و ترامپ را در تصویرسازی‌های سیاسی، شخصیت و استراتژی‌های سیاسی شبیه به‌هم ترسیم می‌کنند. گرچه واقعیت ممکن است خیلی متفاوت باشد، اما ژورنالیست‌ها چنین رویکردی را دنبال می‌کنند. پوتین، ترامپ را فردی «تیزهوش و مستعد» خوانده و ترامپ هم رئیس‌جمهور روسیه را مورد توجه قرار داده و گفته «همیشه مایه افتخار است که فردی تو را تحسین کند که به‌شدت در کشور خود و فراتر از مرزهایش محترم است». ترامپ حتی از پوتین در برابر اتهاماتی مانند قتل روزنامه‌نگاران و مخالفان سیاسی، دفاع کرده و گفته: «فکر می‌کنم در کشور خودمان هم موارد بسیاری از این کشتارها روی می‌دهد». ترامپ همچنین وعده داده: «اتفاقات خوبی ممکن است بیفتد، اگر با روسیه همراه شویم و آنها به ما احترام بگذارند». بسیاری امروز درباره آینده روابط پوتین و ترامپ در صورت انتخاب ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور نگرانند؛ برخی کارشناسان در آمریکا و روسیه معتقدند رابطه ترامپ و پوتین بهتر از رابطه کلینتون و پوتین خواهد بود؛ چراکه آنها می‌توانند همکاری‌های عمل‌گرایانه‌تری با هم داشته باشند. به‌هرحال، این نامزد پیشتاز جمهوری‌خواهان، وعده داده با روسیه کنار بیاید و وارد مباحثات جدی درباره سیاست خارجی کرملین شود.

ترامپ هدیه‌ای برای کرملین

بدبینانه نگاه کنیم، حمایت پوتین از ترامپ روش زیرکانه کرملین برای نشان‌دادن ضعف‌های نهادهای سیاسی آمریکا و معایب سیستم رأی‌دهی آمریکایی است. اگر این تفسیر را قبول کنیم، وجود ترامپ می‌تواند هدیه‌ای برای کرملین باشد که ثابت می‌کند، «آمریکا رو به افول است» و به‌زودی فرو می‌پاشد. کارشناسان همچنین می‌گویند: ریاست‌جمهوری ترامپ برای روسیه مفید است؛ زیرا آمریکا را ضعیف می‌کند. به نظر می‌رسد ترامپ علاقه‌ای به استفاده از قدرت نظامی ندارد و به‌دنبال نوع تازه‌ای از انزواطلبی است. بااین‌همه، اگر همه گمانه‌زنی‌ها را هم رها کنیم، ترامپ برای سران سیاسی روسیه جذابیت بارزی دارد. علاوه بر قابلیت او در رفتار خارج از کلیشه‌های سیاسی آمریکایی، ترامپ کاملا عمل‌گرا است. خلاصه

هرچند کرملین خود را بسیار مشتاق ترامپ نشان می‌دهد
اما روسیه ترجیح می‌دهد همه تخم‌مرغ‌هایش را در یک سبد نگذارد
رهبران روسیه به پیروزی ترامپ امیدوارند
اما خود را برای مذاکرات سخت با کلینتون آماده می‌کنند
سیاست‌مداران روسیه همین حالا هم می‌دانند
سیاست‌های آمریکا چه اندازه می‌تواند پیش‌بینی‌ناپذیر باشد

آنکه او با مرداب سیاست‌های آمریکا در ارتباط نیست. او رهبری واقعی است که «هاله‌ای از مردانگی افسارگسیخته» دارد و این برای رهبران روسیه بسیار مهم است؛ چون به ارزش روابط بینافردی سران دو کشور اعتقاد دارند. کلینتونِ دموکرات اما داستان دیگری دارد. پس از چند دهه حضور در سیاست آمریکا، او بنا به باور کرملین، اسیر کلیشه است در دوران تصدی‌اش بر وزارت خارجه نیز بارز بود. البته او خلاف ترامپ از روسیه خیلی بیشتر می‌داند؛ او باورهای محکمی دارد و این او را پیش‌بینی‌پذیر می‌کند. درعین‌حال او پیر و سخت‌گیر هم هست؛ نوعی «بانوی آهنی» که معامله با او بسیار دشوار است. رهبری روسیه حافظه‌ای طولانی دارد و اظهارات جنجالی کلینتون درباره پوتین را به یاد می‌آورد؛ همین‌طور زمانی که از روسیه خواسته شد تا به گسترش امپراتوری‌اش پایان دهد و در «حوزه نفوذ» روسیه، با مسکو به مقابله پرداخت، هرگز از ذهن مقامات روس پاک نمی‌شود. بنا به گفته کرملین، اگر هیلاری کلینتون رئیس‌جمهور شود، تبلیغ نیاز به دموکراسی، حقوق بشر و تغییر رژیم را در همسایگی روسیه شروع می‌کند. این با انتظارات مسکو در تضاد است؛ چراکه به عقیده آنان، این دغدغه‌های حقوق بشری نوعی ظاهرسازی است تا سیاست واقعی مدل آمریکایی را پوشش دهد.

باورهای نادرست کرملین

دو چیز اغلب در مسکو به نادرستی قضاوت می‌شود؛ اولین آن تأثیر تیم رئیس‌جمهوری است؛ چراکه همه رؤسای جمهور آمریکا در اقدامات خود آزاد نیستند و این حزب است که سیاست واقعی را بازی می‌کند. چه ترامپ یا کلینتون، آنچه در عمل انجام خواهند داد، با آنچه در کمپین‌های تبلیغاتی خود شعار می‌دادند، بسیار متفاوت است. هنوز درست مشخص نیست ترامپ یک انزواطلب واقعی باشد، یا فقط در حال اجرای نمایشی برای کسب رأی. او تلاش می‌کند تاجایی‌که می‌تواند انعطاف‌پذیر باشد و دراین‌صورت کاملا ممکن است در آینده فقط برای کسب محبوبیت، به پوتین حمله کند. تیم سیاست خارجی نامزد جمهوری‌خواهان، از نومحافظه‌کارانی تشکیل شده که تصویرشان از دنیا، کاملا متفاوت از آن چیزی است که در سخنرانی‌های کنونی ترامپ شنیده می‌شود.

لحظه انتقام برای پوتین

تیم کلینتون برای روسیه گزینه مناسب‌تری است. او دور خود را با اعضای قدیمی دولت «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا، پر کرده است؛ دقیقا همان‌هایی که معمار «سیاست شروع دوباره» با روسیه بودند. از این نگاه، تیم کلینتون تجربه بسیار بیشتری از تیم ترامپ در ایجاد نوع تازه‌ای از روابط با روسیه دارد. پوتین چندی قبل در مصاحبه با «فرید زکریا» گفته بود: «ترامپ شخصیت درخشانی است. من قبلا فقط گفته بودم درخشان است؛ او درخشان است مگر این‌گونه نیست؟ این‌گونه است. هیچ چیز دیگری نگفتم. البته یک چیز دیگری نیز وجود دارد که توجه من را به خود جلب کرد و حتما از آن استقبال خواهم کرد و آن این است که ترامپ، گفته بود آماده بازگشت کامل روابط روسیه و آمریکا به وضعیت عادی است. این چه مشکلی دارد؟ آیا شما از آن استقبال نمی‌کنید؟ همه ما از آن استقبال می‌کنیم». اما به‌راستی دلیل محبوبیت ترامپ در بین روس‌ها چیست؟ همه‌چیز به تفکری که در پشت شعار انتخاباتی ترامپ است، بازمی‌گردد. «آمریکا را دوباره عالی کن» شعار انتخاباتی ترامپ است که به نظر می‌رسد در حال تبدیل‌شدن به یک گفتمان در جامعه آمریکاست. این شعار که مکمل شعار «آمریکا اول» و نوعی انزواطلبی است، همان‌اندازه که در داخل آمریکا با اقبال مردم مواجه شده، متحدان آمریکا را از جمله اسرائیل و عربستان نگران کرده است. آنها از این هراس دارند با پیروزی ترامپ، حمایت‌های آمریکا از آنها کاهش یابد؛ هرچند ترامپ بر تعهد خود به دفاع از اسرائیل به شدت تأکید کرده است. اولویت‌دادن به آمریکا در شعارهای ترامپ به چند دلیل خوشایند روسیه است؛ این دلایل درواقع در زمره اهداف عملیاتی شعار ترامپ است که در سخنان او نیز به آنها اشاره شده است. ازسوی‌دیگر، ترامپ نقش روسیه را در حل بحران‌های بین‌المللی پذیرفته است. سال گذشته هنگامی‌که حضور نظامی روسیه در سوریه مورد انتقاد بسیاری از سیاست‌مداران غربی و عربی قرار گرفت، ترامپ اقدام مسکو را توجیه کرد. او گسترش بحران در خاورمیانه و قدرت‌گرفتن گروه‌های تروریستی را حاصل سیاست خارجی غلط اوباما دانست و به روسیه حق داد برای جلوگیری از سرریزشدن تروریسم به داخل خاکش، علیه داعش اقدام کند. کاندیدای جنجالی آمریکا همچنین در راستای سیاست مسکو از حضور «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری سوریه، در قدرت در شرایط فعلی حمایت کرد. همچنین خلاف دیگر سیاست‌مداران آمریکایی که از پوتین به عنوان فردی مستبد یاد می‌کنند، ترامپ بارها از رئیس‌جمهوری روسیه تجلیل کرده و در ۲۰ سال گذشته نخستین نخبه آمریکایی است که از رهبر روسیه تمجید کرده است.

به‌طورکلی ترامپ برای روسیه، رئیس‌جمهوری بهتر از «جورج بوش» و اوباما خواهد بود. در دوران ریاست‌جمهوری این دو، حضور آمریکا در نقاط مختلف جهان ازجمله مناطق خارج نزدیک روسیه (قفقاز و آسیای مرکزی) گسترش یافت، اما آنچه از شواهد برمی‌آید این است که ترامپ خلاف بوش و اوباما نوعی انزواطلبی را دنبال می‌کند و این سیاست را ادامه نخواهد داد.

اما پوتین، کلینتون را یکی از طرفداران سیاست‌های «تغییر رژیم» می‌بیند؛ امری که رهبر روسیه آن را تهدید بزرگی برای بقای خود به حساب می‌آورد. «مایکل مک‌فال» که یکی از مقامات ارشد کارشناس روسیه در شورای امنیت ملی اوباما از سال ۲۰۰۹ تا دسامبر ۲۰۱۱ بود و پس از آن تا اوایل سال ۲۰۱۴ سفیر آمریکا در مسکو بود، می‌گوید: «او از کلینتون به‌شدت ناراحت بود و این ناراحتی تا زمانی که من در دولت بودم، ادامه داشت. برخی می‌توانند معتقد باشند که این لحظه انتقام اوست». بااین‌حال احتمال این انتقام هم در حد حدس و گمان باقی مانده و برخی کارشناسان متقاعد نشده‌اند که دولت پوتین هک‌کردن ایمیل‌های کمیته ملی حزب دموکرات را مهندسی کرده باشد یا این امر به معنی نفوذ به انتخابات به‌نفع ترامپ باشد. درحالی‌که کارشناسان درباره این نکته بحث می‌کنند که آیا پوتین واقعا در تلاش برای دخالت در انتخابات ایالات متحده هست یا نه، بسیاری اتفاق نظر دارند که کرملین از هیلاری کلینتون دل خوشی ندارد. «یوجین رامر»، افسر سابق سازمان اطلاعات ملی در امور روسیه و اوراسیا در شورای اطلاعات ملی که اکنون از اعضای بنیاد کارنگی است، می‌گوید: «من فکر می‌کنم شواهد خوب و معتبری وجود دارد که مسکو هیچ علاقه‌ای به خانم کلینتون ندارد». دراین‌میان هرچند کرملین خود را بسیار مشتاق ترامپ نشان می‌دهد، روسیه ترجیح می‌دهد همه تخم‌مرغ‌هایش را در یک سبد نگذارد. رهبران روسیه به پیروزی ترامپ امیدوارند، اما خود را برای مذاکرات سخت با کلینتون آماده می‌کنند. سیاست‌مداران روسیه همین حالا هم می‌دانند سیاست‌های آمریکا چه اندازه می‌تواند پیش‌بینی‌ناپذیر باشد. آنچه بدون‌شک رهبران روسیه نمی‌خواهند، تکرار سلسله اقدامات مداخله‌جویانه آمریکا در عرصه بین‌المللی است و آنها بسیار خوشحال می‌شوند از نامزدی حمایت کنند که از چنین سیاست خارجی فعالی پرهیز کند.

منبع: فارن‌پالسی

نگاه

کودتا در رأی یونسکو

تصمیم سازمان یونسکو مبنی‌بر اینکه مسجدالاقصی هیچ ارتباطی به یهودیان ندارد، با استقبال بسیاری از کشورهای اسلامی و خشم مقامات اسرائیلی مواجه شد. این خشم که از سوی آمریکا نیز پشتیبانی می‌شد بر آن خشنودی چربید. به‌همین‌دلیل ایرنا بوکووا، رئیس کنونی یونسکو، ناگهان با انتقاد از تصمیم قبلی یونسکو و با بی‌اعتنایی به نظر اکثریت، گفت: «مسجدالاقصی درعین‌حال دارای معبد هیکل بوده و دیوار ندبه نیز در آن قرار دارد که مکان مقدسی برای یهودیان است». مایکل وربز، رئیس هیأت اجرائی یونسکو، نیز در اظهاراتی خواستار یک رأی‌گیری جدید در این‌باره شد.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، با حمله به سازمان یونسکو قطع‌نامه تصویب‌شده از سوی اعضای این سازمان را «غیرقانونی» توصیف کرد. لابی‌های صهیونیستی در داخل رژیم اسرائیل و دولت آمریکا نیز دست به کار شده و چنان حمله‌ای را تدارک دیدند که ایرنا بوکووا تسلیم شد و ناگزیر بیانیه‌ای را صادر کرد که خلاف خواست دولت‌هایی بود که در یک موقعیت تاریخی و استثنایی بر حفظ میراث فرهنگی فلسطینی‌ها تأکید کرده بودند. یونسکو پیش‌تر با صدور بیانیه خود به صورت غیرمستقیم اسرائیل را یک نیروی «اشغالگر» معرفی کرده بود که باید به یهودی‌سازی نمادها و اسامی عربی و اسلامی بیت‌المقدس پایان دهد.

پیش از کودتای اخیر، گروه‌های فلسطینی و کشورهای عربی و اسلامی موضع‌گیری یونسکو را شجاعانه، بی‌سابقه و جسارت‌آمیز توصیف کردند و گفتند این برای نخستین‌بار است که یک نهاد بین‌المللی به دور از خواست یهودیان درباره مسجدالاقصی اعلام نظر می‌کند. اما بلافاصله معلوم شد آنچه در واقعیت جریان دارد با آنچه روی کاغذ نوشته می‌شود، تفاوت دارد. حال قطع‌نامه یونسکو به دلیل فشارهای اسرائیل و آمریکا اجراشدنی نیست. این مسئله یک‌بار دیگر ثابت کرد یونسکو نیز مانند سایر نهادهای بین‌المللی بی‌طرف نبوده و در برابر اشغالگران سرزمین‌های فلسطینی هیچ کاری از دست‌شان برنمی‌آید. این احساسی است که از سال‌ها پیش فلسطینی‌ها با خود داشته و دارند. کسانی که مدعی «حل سیاسی» مسئله فلسطین هستند، می‌دانند این کار از اساس بیهوده است. آنها پیوسته تأکید دارند چنین راه‌حلی باید مطابق با «مشروعیت بین‌المللی» و قطع‌نامه‌ها مرتبط با آن باشد. اما تجربه نشان داده است سازمان ملل در هیچ راه‌حلی جدی نیست. این سازمان هرگز حق فلسطینی‌ها را به آنها برنخواهد گرداند. تلاش اخیر برای برگرداندن نظر یونسکو این درس را به آنها می‌دهد. بیهوده نیست که فلسطینی‌ها و درکل اعراب و مسلمانان هیچ اطمینانی به سازمان‌های بین‌المللی ندارند زیرا لابی‌هایی در این سازمان‌ها فعال هستند که نمی‌گذارند مسیر درستی را طی کنند. تا زمانی که سازمان‌های بین‌المللی قادر به رهایی خود از لابی‌های صهیونیستی و آمریکایی نباشند، هرگز قادر نخواهند بود در آزادی فلسطین نقشی مثبت داشته باشند. اینها هرگز حرف حقی نخواهند زد و اگر هم بزنند بیشتر به صورت یک حرف گذرا بوده که از ناتوانی مطلق آنها حکایت دارد؛ نه اینکه یک اعتراف واقعی به حق مشروع ملتی باشد، آن‌هم ملتی که همه از آن فاصله گرفته و امروزه تنهاتر از هر زمانی شده است.

منبع: الخلیج

یادداشت

حرف حساب ترامپ

مهدی نوریان . کارشناس ارشد مطالعات آمریکا

در اولین مناظره بین‌حزبی حزب جمهوری‌خواه وقتی از کاندیداها سؤال شد آیا کسی میان شما هست که در صورت انتخاب‌نشدن به‌عنوان نامزد اصلی حزب به طور مستقل به مبارزه انتخاباتی ادامه دهد، تنها کسی که دستش را بلند کرد، دونالد ترامپ بود. این حرکت ترامپ معانی زیادی داشت که مهم‌ترین آن رسیدن به ریاست‌جمهوری به هر قیمتی حتی به قیمت گذشتن از اصول حزبی بود. بیشتر از آنکه بتوان ترامپ را یک جمهوری‌خواه دانست، شایسته است او را یک فرد مستقل بشناسیم؛ چیزی که سران حزب جمهوری‌خواه نیز به آن رسیده‌اند و بعضا اعلام کرده‌اند از او حمایت نمی‌کنند. ترامپ، هم از نظر مالی و هم از نظر تفکر، مستقل از ساختار حزب جمهوری‌خواه است. از این تفکر ضدساختارگرا می‌توان به‌عنوان یکی از بنیان‌های پدیده ترامپیسم یاد کرد. با بررسی گفتمان ترامپ می‌توان صحت گفته منتقدان او را که ترامپ را یک پوپولیست می‌خوانند، تأیید کرد. ترامپ درحال‌حاضر با کم‌شدن رأی در نظرسنجی‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ اتفاقی که بیشتر ناشی از اتهامات جنسی است که چند وقت اخیر به او زده شده است. به گفته اوباما، ترامپ تنها نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکاست که فرایند انتخاباتی آمریکا و نتایج آن را حتی پیش از برگزاری آن دست‌کاری‌شده و فریب‌کارانه می‌خواند. او در مناظره‌ها و سخنرانی‌هایش از الفاظی استفاده می‌کند که پدر و مادرها را از قراردادن کودکان‌شان در معرض آنها دور می‌کند. ترامپ بدون درنظرگرفتن هیچ ملاحظه‌ای جواب هر که را بخواهد هر طوری که بخواهد، می‌دهد؛ حال سوژه‌اش رنگین‌پوستان باشند یا زنان، مسلمانان یا سیاست‌مداران یا هر شخص یا گروهی دیگر. اما به‌راستی حرف حساب ترامپ چیست؟

مهاجرت

درباره مهاجرت، ترامپ می‌گوید باید نوعی یکپارچگی وارد سیستم شود که منافع آمریکایی‌ها را در اولویت قرار دهد. قوانین مهاجرت باید در مرزها و در محل کار رعایت شود. باید دیوارهای مرزی و مکان‌هایی در مرز برای اسکان مهاجران ساخته شود. خارجی‌های مجرم باید به خانه فرستاده شوند؛ به مهاجرانی که سبک زندگی آمریکایی را انتخاب می‌کنند، باید خوشامد بگوییم و مهاجران و پناه‌جویانی که این‌چنین نمی‌کنند و راه و روش خود را برای زندگی اتخاذ می‌کنند، از خود دور کنیم. مهاجران مکزیکی با خود مواد مخدر و جرم و جنایت می‌آورند. آنها تجاوزگر هستند. ما می‌خواهیم مردم به طور قانونی به کشورمان بیایند. سیستم مهاجرت کشور درست عمل نمی‌کند و به ما اجازه نمی‌دهد بدانیم چه کسی وارد کشور می‌شود. به‌عنوان رئیس‌جمهور، من درباره مرزها بسیاربسیار سخت‌گیر خواهم بود. وقتی از او درباره اخراج ۵۰ هزار مهاجر از کشور سؤال شد، او پاسخ داد آنها مجبور هستند کشور را ترک کنند.

حمل سلاح

یکی دیگر از مسائل مناقشه‌برانگیز آمریکا مسئله حمل سلاح است. ترامپ دراین‌باره معتقد است حمل سلاح براساس متمم دوم قانون اساسی آمریکا ضروری است. او می‌گوید با حمل سلاح مجرمان خطرناک را بگیرید اعضای گروه‌های قاچاقچی مواد مخدر را دستگیر و شهرها و جوامع را امن‌تر کنید. حمل سلاح به دارندگان سلاح کمک می‌کند تا از خودشان دفاع کنند. با گسترش برنامه‌های سلامت روان می‌توان بیمارهای روانی را از خیابان‌ها جمع کرد. او می‌گوید اینکه دموکرات‌ها می‌خواهند سلاح‌ها را ضبط کنند، واقعا احمقانه است چون باید براساس قانون، شهروندان قانونی بتوانند سلاح داشته باشند و آدم‌بدها بی‌سلاح بمانند.

اقتصاد و اشتغال

نظرات ترامپ درباره اقتصاد و اشتغال درخور توجه و جالب است. او می‌گوید باید قوانین مربوط به مالیات و سیاست‌های تجارت را اصلاح کرد تا استخدام، سرمایه‌گذاری، ساخت، رشد و تولید در آمریکا راحت‌تر انجام شود. ترامپ در این زمینه می‌گوید باید جلو چین را گرفت و نگذاشت شغل‌های ما را بدزدد باید قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی را اصلاح کرد، قوانین دست‌وپاگیر و غیرضروری را حذف و آمریکا را به بهترین مکان جهان برای تجارت تبدیل کرد. این اول‌کردن آمریکاست که شغل و ثروت را برای ما نگه می‌دارد و نه جهانی‌سازی. او درباره تجارت با چین می‌گوید تجارت با چین، تجارت منصفانه‌ای نیست، بلکه تجارتی احمقانه است. او معتقد است باید قوانین اشتغال‌زدا را از بین برد.

آزادی‌های مدنی

ترامپ درباره آزادی‌های مدنی می‌گوید وقتی بخواهیم بین امنیت و حریم خصوصی تعادلی برقرار کنیم، باید بیشتر هوای امنیت را داشته باشیم. او معتقد است جمع‌آوری اطلاعات به طور گسترده برای نظارت ضدتروریستی البته تحت کنترل دادگاه، بررسی صفحات شبکه‌های اجتماعی کسانی که قصد ورود به آمریکا را دارند و محدودکردن دسترسی داعش به اینترنت برای جلوگیری از گسترش تروریسم، از اقداماتی است که باید در این زمینه انجام شود».

سیاست خارجی

برخی ترامپ را در زمینه سیاست خارجی ضعیف و بی‌تجربه می‌دانند. ترامپ معتقد است سیاست خارجی باید بر این مسئله متمرکز باشد که آمریکا را با نابودکردن گروه‌های تروریست داعش بار دیگر امن کنیم. توافق هسته‌ای با ایران را تمام کنیم و به پرداخت غرامت به ایران پایان دهیم. او با اتهاماتی بی‌پایه‌واساس، ایران را اولین حامی تروریسم در جهان می‌خواند. او می‌گوید آمریکا در کنار متحدانش خواهد ماند و به شیوه کلینتون و اوباما که شیوه عذرخواهی از دشمنان است، پایان می‌دهد. او می‌گوید: «من نمی‌خواهم کسی از کشورهای ترور وارد آمریکا شود». ترامپ در حمایت از اسرائیل می‌گوید هیچ فاصله‌ای بین آمریکا و دولت اسرائیل وجود نخواهد داشت. ترامپ درباره روسیه می‌گوید تنش‌زدایی در روابط با روسیه و ارتقای روابط با این کشور قطعا امکان‌پذیر است. او بارها تأکید کرده با جنگ عراق و افغانستان و هزینه‌های سرسام‌آور در این دو کشور مخالف بوده است. درباره سیاست خارجی، خود ترامپ این‌طور توضیح می‌دهد که ما وارد هیچ مناقشه و تعارضی نخواهیم شد، مگر اینکه ملت ما را امن‌تر کند. در مناظره دوم انتخاباتی ترامپ اظهارات جدیدی درباره بحران سوریه کرد. او گفت ایران، روسیه و اسد در حال مبارزه با داعش هستند. ترامپ در حالی به این موضوع اعتراف کرد که ائتلاف آمریکایی سعودی چنین اعتقادی ندارد و با اتهاماتی بی‌پایه‌واساس، سعی دارد منافع خود را در منطقه تأمین کند.